



21.12.2021

احسان لمر

جناب بزرگوار گل احمد بارز

بهترین احترامات و سلام هایم را خدمت میرسانم. صحتمندی شما را همراه با فامیل محترم ارزو دارم. از لطف و محبت همیشه گی تان یک دنیا ممنون. سطور پر مهر تان را در صفحه نظر سنجی ها خواندم برای حرف حرف و کلمه به کلمه آن از شما جهانی سپاس گذارم.

بزرگوارم،

اجازه دهید کلامم را با ابیات استاد گرامی محمد یوسف کهزاد آغاز نمایم که فرموده بودند

| | |
|------------------------------------|--------------------------------------|
| ما از ازل به طالع خود بد ستاره ایم | یک خود پرست ملت صد پاره پاره ایم |
| از ما شراب وحدت و مستی دگر خواه | از بس که ما به طنیت خود بد گذاره ایم |
| پائین نیامدیم ز کوه غرور خود | ما را کسی نگفت که آخر چه کاره ایم |

نی یار یار ماست نه دشمن رقیب ما

ما خود به جان خرمن خود یک شراره ایم

در طول سده ها ما بنام کافر و یهود و هندو و مسلمان و سنی و شیعه و صد پاره بودیم . با صدور (سوداگران دین فروش) توسط بریتانیه در قرون 19 و 20 کلمات دهری و ذندیق و هم به آن افزود گشت - سازنده و خراباتی و دلاک و کل و چننه و کور و کر و هزاره ... خوار و ازبک کله ... اوغان ... و اوغانستان و خشتک کشال و دال خور را برای توهین و تحقیر بکار می بردیم و می بریم، و اکنون بدبختانه عده ای بدون دانستن معنی و آگاهی از این کلمات مهر و تاپه خلقی و پرجمی و اخوانی و فاشیست و شعله ای و افغان ملتی و مساواتی را به آن اضافه کردند، که در نتیجه ما یک ملت صد پاره نی بلکه هزار پاره هستیم چون ز طنیت بد گذاره ایم، خداوند خیر راه پیش آورد که پرجمی دو آتسه هم به آن افزود شده.

چند سال قبل روی یک موضوع تحقیق و تدقیق داشتیم و تقریباً بیست عنوان مقاله نوشتیم عده ای مرا یک تاپه دیگر زدند و با کلمات توهین و تحقیر آمیز شخصیت خود را نمایان کردند. اگر این اشخاص یا هم دیگر marionette های دربار برویت دلایل مقنع شواهد و اسناد دقیق جواب 13 عنوان مقالات دکتور صاحب عبدالرحمن زمانی را که بر اساس اسناد آرشیف هند و انگلیستان می باشد و همچنان 20 عنوان مقالات دکتور صاحب عبدالله کاظم را بنویسند، بهتر است، از من که دو سه عنوان بیش نیست تا کنون جواب مستدل ندادند.

همه نویسندگان و مورخین حتی استادان یونورسیتی ها داخلی و خارجی و افغانستان شناسان اجنبی به شمول جواهر لعل نهرو، اسناد آرشیف و مکاتیب سفارت های بریتانیه در هند و کابل، همه و همه دروغ می گویند، و دوستان نادر خان و هاشم خان راست می گویند که ایشان بزور شمشیر خود «فی سبیل الله» و بدون هیچ کمک مادی و معنوی انگریز بر تخت سلطنت جلوس فرمود. اگر حال یک سطر برای روشنی صفحه تاریخ کشور نوشتی تفرقه افگنی است و نویسنده اینها «خادمین چوب و تیل رسان دوزخ اند که آتش جنگ دشمنانه را در بین افغانها را پکه می زنند».

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

امروز 1400 سال بعد از رحلت پیغمبر اسلام (ص) یک خانم تونسی بنام هاله الوردی استاد دانشگاه المنار تونس¹ کتابی تحت عنوان (واپسین روزهای زندگی پیامبر اسلام) برویت اسناد و آثار هر دو مذهب (تسنن و تشیع) نوشته به حساب آن آقایان این استاد دانشگاهی چوب و تیل رسان دوزخ نه بلکه داغال سنگ به دوزخ برده، این محترمین باید گفت که نوشتن تاریخ امروز و دیروز چوب و تیل رسانی دوزخ نه بلکه مسیر و راه را برای آینده روشن می سازد. در کلیات اشعار فارسی اقبال لاهوری - "رموز بیخودی - درمعنی اینکه کمال حیات ملیه این است که ملت مثل فرد احساس خودی پیدا کند و تولید و تکمیل این احساس از ظبط روایات ملیه ممکن. " نتیجه گیری کرده بود که:

| | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| قوم روشن از سواد سرگذشت | خود شناس آمد ز یاد سرگذشت |
| سرگذشت او گر از یادش رود | باز اندر نیستی گم میشود |
| نسخه ی بود ترا ای هوشمند | ربط ایام آمده شیرازه بند |
| ربط ایام است ما را پیرهن | سوزنش حفظ روایات کهن |
| چیست تاریخ ای ز خود بیگانه ئی | داستانی قصه ئی افسانه ئی؟ |
| این ترا از خویش آگه کند | آشنای کار و مرد ره کند |
| روح را سرمایه تاب است این | جسم ملت را چو اعصاب است این |
| همچو خنجر بر فسانت میزند | باز بر روی جهانت میزند |
| و چه ساز جان نگار و دلپذیر | نغمه های رفته در تارش اسیر |
| شعله ای افسرده در سوزش نگر | دوش در آغوش امروزش نگر |
| شمع او بخت امم را کوکب است | روشن از وی امشب و هم دیشب است |
| چشم پرکاری که ببند رفته را | پیش تو باز آفریند رفته را |
| باده صد ساله در مینای او | مستی پارینه در صهبای او |
| صید گیری کو بدام اندر کشید | طایری کز بوستان ما پرید |
| ضبط کن تاریخ را پاینده شو | از نفسهای رمیده زنده شو |
| دوش را پیوند با امروز کن | زندگی را مرغ دست آموز کن |
| رشته ایام را آور بدست | ور نه گردی روز کور و شب پرست |
| سر زند از ماضی تو حال تو | خیزد از حال تو استقبال تو |
| مشکن ار خواهی حیات لازوال | رشته ماضی ز استقبال و حال |

موج ادراک تسلسل زندگی است

می کشان را شور غلغل زندگی است

¹ - هاله الوردی تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات در یونیورسیتی تونس تمام نمود و در سال 2001 دکتری خود را در رشته ادبیات فرانسه از پوهنتون سوربن پاریس گرفت. او استاد ادبیات و تمدن فرانسه در دانشگاه المنار تونس بود، اما بعداً به عنوان دانشیار در آزمایشگاه مطالعات توحید در مرکز ملی تحقیقات علمی مشغول به کار شد.

➤ اگر ما دوش را با امروز بیوند ندهیم، در واقعیت روز کور و شب پرست می مانیم چنان چه در نیم قرن خانواده نادر خان نام بردن و نوشتن و گفتن در باره نهضت بیدار گر مشروطیت اول و دوم ممنوع بود.

➤ در باره نقش براننده و روشن سراج الاخبار افغانیه محمود طرزی و همکاران هم قلمان او زبان و قلم نباید شور می خورد، به جوال ها آثار محمود طرزی و کتب دوره امانیه را سردار نعیم خان در باغ قصر زرنگار یا پارک زرنگار فعلی آتش زد. تا آنها جلو (آشنائی کار و مرد ره) شدن مردم کشور را بگیرند.

➤ درباره نهضت امانیه و شخص امان الله خان و نقش فوق العاده آن ها در استقلال و در بیداری جامعه حرفی زده نه می شد.

➤ از نقش جراید ملی (غیر دولتی) و مسولان فرزانه آن مثل محی الدین انیس - احمد راتب و بیداری اذهان مردم چیزی نوشته نمی شد. محی الدین انیس را در زندان تا روز مرگ نگهداشتند و مرده او را در یک جای نا معلومی زیر خاک کردند و دو فرزند او فرید و فریده را هم از مکتب کشیدند. و احمد راتب را از کشور تبعید نمودند و اما بنام طره باز خان چهار راهی ساختند؟؟؟.

در دور دوم و روشن امیر شیر علی خان که عمدتاً تحت تاثیر افکار سید جمال الدین افغانی دانشمند بزرگ آن عصر بود جریده «شمس النهار» نشر شد. بار دوم هم از شاگرد نستوه سید افغان محمود طرزی در سال (1906 م) سراج الاخبار را نشر نمود که به مخالفت سرداران بخصوص سردار عبدالقدوس خان اعتماد دوله و فرزندان مصاحبین (نادر خان و برادران) مواجه بود، البته محمود طرزی برای نادر خان ملعونی بود که نامش نزد او برده نشود و برادرش سردار هاشم خان عقیده داشت که طرزی «افغانستان را خراب و بریاد کرد؟ مسئول انقلاب و خرابی افغانستان، خونریزی و پسماتی امروزی مملکت هم او بود». و اما محمد صادق خان مجددی در سیاه نامه خود بنام خاطرات سیاسی نوشت: «مؤسس خلاعت و رذالت در افغانستان، مجسمه نفاق و طغیان، شالوده ترمرد و عصیان "امان الله خان"، مخرب افغانستان همین شخص "علامه محمود طرزی" است و پس...!!! و اما در دوره درخشان امانیه ما در مرکز و ولایات 11 جریده و مجله به شمول سه جریده ملی داشتیم و اولین اخبار برای بیداری زنان «ارشاد النسوان» را خانم محمود طرزی و برادرزاده او روح افزا بدوش داشتند. همچنان زنان خانواده طرزی، اسما رسمیه همسر محمود طرزی، ملکه ثریا و خیریه دختران شان، هم چنان روح افزا (منشیه) برادرزاده طرزی، خانم بلقیس طرزی اولین مدیره مکتب مستورات، خدیجه طرزی مادر خانم رخشانه معلمه مکتب مستورات، دیگر برادر زاده های طرزی و خانم زینب عنایت سراج نواسه شان هم چون ستاره های درخشان و تابناک در فضای علم و عرفان و فرهنگ و بیداری زنان کشور درخشیدند.

در طول 96 سال دوره سلطنت برادران محمد زائی (1823 - 1919) تنها امیر شیر علی خان دو مکتب یکی نظامی و دیگری ملکی بنام (خان زادگان) و امیر حبیب الله خان یک مکتب (حبیبیه) را ساختند در حالیکه در جوار ما هندوستان صد ها مکتب و پوهنتون داشتند در کشور های اسلامی مثل ترکیه و مصر همچنان اگر برابر با هند نبودند کمتر هم نبود، ولی شاه امان الله خان 222 باب مکتب ابتدائی و دهها باب مکتب مسلکی و دارالمعلمین ها ساخت، در حالیکه سرداران قبل و بعد او با معارف برای مردم کشور مخالف بودند چنانچه سردار نصر الله خان در دربار عام به برادرش صدا کرد «از معارف مشروطه می زاید و مشروطه نقطه مقابل تسلط شرعی سلطان است» و یا سردار محمد عزیز خان محصلین افغان دوره امانیه در اروپا را «بچه های دمبک و دولک» می دانست و البته تحصیل کرده ها و مردم کشور به غیر از سرداران برای هاشم خان صدراعظم «کلوخی» بودند که در تخته شطرنج بجای دانه اصلی گم شده (محمدزائی) استفاده می شود... البته حضرات مکتب رفتن را به مفهوم کافر شدن میدانستند، و صد ها درد دیگر. پس امروز بعد از 90 سال هر چه اتهام دروغ و جعل به فکر شان میگردد به امان الله شاه و نهضت آن دوره حتی به شخصیت و فامیل او وارد نمائیم. " لعنة الله على الكاذبين "

بارز صاحب محترم، در ادامه فرموده های شما باید افزود که :

- خوشبختانه مثل پدر عبدالخالق صدها روشن ضمیر دیگر هم بودند که یا در زندانها سردار هاشم خان یا پوسیدند یا مردند.
- علامه سید افغان آن سخن را در باره عبدالخالق نه بلکه بعد از قتل ناصر الدین شاه قاجار که در سال 1896 بدست مرزا رضای کرمانی که وی زمانی خادم سید در ایران بود، گفته بودند.
- در پهلوی دهها سند تاریخی یک فامیل محترم افغان که در شهر محل اقامت فعلی ما زندگی دارند، پدر شان مرحوم غفوری دکان کلاه دوزی در شهر کابل داشت که عبدالغنی خان گردیزی از دوستانش بود برای او قصه کرده بود که عبدالخالق عجیب مردی بود هر قدر شکنجه کردیم یک نفر را هم نام نداد.
- مثل الله نواز خان و یا شاه جی و امثال آن هندوستانی ها (مخبرین بریتانیه) در دربار خانواده نادر خان بسیار بودند. همچنان همین الله نواز دیپلمات سفارت افغانستان در اروپا از جانب سردار هاشم خان مامور ترور امان الله خان در روم شد که موفق نشدند.
- من با شما همونوا هستم واقعه قتل شدن نادر شاه در داخل ارگ شاهی (۱۶ عقرب ۱۳۱۲ش) از عجائب تاریخ معاصر کشور مظلوم ما افغانستان ای عزیز است، این کشور چنین فرزند مثل عبدالخالق را هم زاپیده و در خود پرورانده است، اینه غیرت و سر تیری و فدا کاری، اینه تعهد به حق (حق نام خدا است)، اینه امتحان این دنیا که عبدالخالق آن را با نمره اعلی آنرا سپری کرده و رفت.

احتراماتم را بشما تجدید می نمایم